

کارزارهای گسترده علیه حکومت بعنوان همدست کرونا

شهلا دانشفر

سیاست های جنایتکارانه حکومت در قبال کرونا و مردم بر همه کس عیان است. جمهوری اسلامی از همان آغاز از شیوع بیماری کرونا سود جست تا فضای جامعه را عوض کند و مردمی را که در خیزش آبان به خیابان آمده بودند تا بساط جهنمی این حکومت را جمع کنند، عقب زند. حکومت کنار کرونا ایستاد و کشتار کرد. به این دلیل امروز فاجعه کرونا و کشتار میلیونی آن که با شدت ادامه دارد، موضوع کیفرخواست مردم علیه خامنه ای و سران این حکومت است. مردم در گفتمانهایشان این کشتار را یک قتل عمد و جنایت علیه بشریت دانسته و علیه خامنه ای و حکومتیان اعلام جرم کرده و بدرست خواستار تعقیب قضایی این

جانیان هستند. این حرکت اگر نتیجه حقوقی نداشته باشد اما یک جنبش اعتراضی را در کنار دیگر جنبشهای اعتراضی علیه حکومت دامن زده و به جریان انداخته است و حکومتیان را زیر فشار جدی قرار داده است.

امروز همچنان شمار قربانیان بیماری مرگبار کرونا هر روز بیشتر میشود. بر اساس آمار رسمی شمار مبتلایان به این بیماری مهلک به بیش از یک میلیون نفر رسیده است و بنا بر همین آمار بیش از صد هزار نفر جان خود را از دست داده‌اند که حتی گفته میشود که رقم آن چندین برابر بیشتر از این است. مهمترین عامل این کشتار جمعی مردم سر

باز زدن حکومت از واکسیناسیون همگانی و عدم پیشگیری از شیوع و گسترش آن از همان روز آغازش است.

در راس هرم این کشتار جمعی خامنه ای قرار دارد که با تئوری توطئه آمریکا، استراتژی ایمنی گله ای را در دستور قرارداد و نتیجه مستقیم این سیاست کشتار عمومی مردم بود. بر اساس همین سیاست اول ادعا کردند که توان تولید واکسن در کشور را حتی بیش از نیاز مصرف داخلی دارند. بعد خامنه ای فتوا داد و رسماً واردات واکسن از آمریکا و انگلستان را ممنوع اعلام کرد. رئیسی، به عنوان رئیس قوه قضائیه گفتار وی را حکیمانه خواند، روحانی رئیس جمهور و نمکی

وزیر بهداشت هم دستور او را نصب‌العین قراردادند و تبلیغات اندر وصف مضرات واکسن‌های خارجی بالا گرفت و بدین ترتیب مقامات حکومتی از وزیر بهداشت گرفته تا شماری از نمایندگان مجلس نیز هر کدام در جایگاهی روند ممانعت از ورود واکسن را دامن زدند و این ممنوعیت به بهای از دست رفتن جان بسیاری از مردم تمام شد و کشتاری عمومی به راه افتاد.

بر محور این سیاست از همان آغاز حقایق را کتمان کردند، دروغ گفتند و اخبار مرگ و میر بر اثر کرونا را لاپوشانی کردند. به جای درمان کرونا و پیشگیری از شیوع آن مردم را به "طلب شفا از خدا" و "خواندن دعای

صحیفه سجادیه“ و خرافه طب سنتی حواله دادند. در کنار این سیاست صنعت پر رونق کرونا را به راه انداختند. با نرخ های نجومی بر هزینه های آزمایش های تشخیصی و درمانی و داروهای ضد ویروسی افزودند و تعداد مراکز آزمایشگاهی دولتی و ارزان را محدود کردند و صف های طویل برای انجام آزمایشات و برای درمان را باعث شدند و هر روز مردم بیشتری را به کام این بیماری مهلک رها کردند. بعلاوه در حالیکه خبری از درمان رایگان در سطح جامعه نیست، مردم را حتی از استفاده از همان حداقل بیمه های اجتماعی محروم کردند و با پایین آوردن بیشتر سطح آن بازار سیاه را داغتر کردند و در این میان صنعت کرونا را گسترش

داده و به قیمت گرفتن جان انسانها پولهای کلان به جیب زدند.

در این اوضاع اسفناک خبری از اجرای قرنطینه نبود و نیست. خبری از پرداخت بیمه بیکاری و حقوق ایام مرخصی بخاطر تعطیلی کار در ایام بحرانی کرونا نبود و نیست. مردم محروم از هر گونه تامینی ناگزیر به انتخاب بین گرسنگی و کرونا شده و برای زنده ماندن و تهیه لقمه نانی ناچار به کار شدند. در محیط های کار و اماکن عمومی در سطح جامعه نیز هیچکدام از پروتکل های سازمان بهداشت جهانی برای حفظ جان مردم در برابر بیماری کرونا و شیوع آن اجرایی نشد. از جمله با محدود

کردن شیفت های حمل و نقل عمومی و تراکم جمعیت مردم در ایستگاهها و اتوبوسها خطر شیوع بیماری هر روز بیشتر و بیشتر شد. در زندان نیز کرونا خطری جدی برای جان زندانیان شد و حتی از وجود آن سعی کردند به عنوان اهرم فشار و تهدید به مرگ زندانیان و خانواده هایشان استفاده کنند. آخرین شاهکارشان نیز برپایی مراسم مذهبی و از جمله دعوت مردم به شرکت در مراسم محرم بود.

این چنین بود که صنعت کرونا شکل گرفت و هر روز پر رونق تر شد. برای مثال منابع مالی ای که می بایست صرف قرنطینه و اقدامات پیشگیرانه از کرونا شود، به توزیع

رانت میان قرارگاه‌های بسیج تحت عنوان برنامه‌های جهادی مقابله با کرونا و یکسری اقدامات نمایشی شد و بازاری جدید برای دزدیها و اختلاسهای دارودسته‌های مختلف حکومتی شکل گرفت. یک قلم از دزدی هایشان بازگذاشتن دست شرکت‌های خصوصی برای ایجاد بازار سیاه فروش واکسن حتی تا چند میلیون بود. گرفتن ودیعه و پیش پرداخت‌های نجومی برای قرار دادن نام بیماران در لیست بستری‌ها و پرکردن تخت‌های گران‌قیمت آی‌سی‌یو نمونه‌هایی از این جیب‌بری‌ها و نمونه‌هایی از این زد و بندها و چپاولگریها بود. نمونه کلانترش بستن قرارداد با شرکت‌هایی مثل بنیاد برکت برای ساختن واکسن غیر

استاندارد ایرانی و تولید واردات داروهای
ضد ویروسی ای بود که برای بیماران حاد
کرونايي تجویز می‌شود و یک سر این بنیاد
به "ستاد اجرایی فرمان امام" وصل بود.
نمونه ای از این داروها رمدسیویر است که
برای تهیه آن بیماران پشت در بیمارستانها
صفها کشیدند و قیمت آن در بازار سیاه به
ده برابر رسید و مردم برای نجات جانشان
و کاستن درد جانکاه بیمارشان ناگزیر به تن
دادن به خرید آن بودند. طی بر آوردی و به
گفته علیرضا زالی از خودی هایشان هزینه
ای که از جانب حکومت و باند مافیایی آن
صرف خرید این داروها شد، میتواندست کفاف
تهیه دو دوز واکسن برای همه مردم را بدهد
تا جلوی شیوع بیماری گرفته شود. بدین

ترتیب در این دزد بازار به اشکال مختلف مردم را سر کیسه کردند. و در آن همه بخش های حکومت و باندهای مافیایی اش دست داشتند.

کشتار جمعی کرونا و محاکمه خامنه ای و سران حکومت

امروز یک خواست مهم و گسترده بخشهای مختلف کارگران و مردم واکسیناسیون رایگان و سریع همه مردم است. خرید واکسن و واکسیناسیون رایگان و همگانی به یک کارزار مهم بخش های مختلف کارگری و مردم معترض در دو ساله اخیر تبدیل گردیده است. دهها هزار کار اعتصابی نفت

و کارگران نیشکر هفت تپه و بازنشستگان و معلمان و بخش های مختلف جامعه با بیانیه هایشان و در تجمعاتشان بر این خواست تاکید کردند. زیر فشار این اعتراضات، آنهم بعد از گذشت نزدیک به دو سال اکنون در جاهایی از جمله در بخش هایی از مراکز نفتی و یا نیشکر هفت تپه قول اجرایی کردن واکسیناسیون داده شده است. اما امروز مردم نه تنها بر واکسیناسیون رایگان و همگانی به عنوان اولین مطالبه خود تاکید دارند، بلکه داخواهند و بخاطر کشتار جمعی عزیزانشان با کیفرخواست جلو آمده و پاسخ میخواهند. یک مثال حرکتی است که با طرح شکایت شماری از وکلا از شخص خامنه ای به خاطر ممانعت از واکسیناسیون مردم و

کشتار جمعی ای که به راه افتاده شروع شد. علت این دستگیریها تصمیم این وکلای برای ثبت شکایت رسمی علیه مسئولان و مقامات حکومتی به دلیل مدیریت فاجعه بار کرونا عنوان شده است. اما این دستگیریها با موجی از اعتراض اجتماعی و همبستگی با وکلای دستگیر شده روبرو شد و مردم شکایت وکلای را فریاد اعتراض خود دانسته و به حمایت از آنان برخاستند. از جمله بیش از ۵۰ وکیل دادگستری بازداشت "وکلای دادخواه" را محکوم کرده و خواستار برخورد و تحت تعقیب قرار دادن "خاطیان" شدند. در ادامه در متن حمایت از وکلای بازداشتی جنبش برای به محاکمه کشیدن سران حکومت و کشتار جمعی مردم در چنگ

کرونا شکل عیان تر و گسترده تری بخود گرفت. نمونه ای از این کیفرخواستها بیانیه ۵۷۵ نفر از معلمان، کارگران، دانشجویان و فعالان سیاسی و مدنی در حمایت از مهدی محمودیان، آرش کیخسروی، مصطفی نیلی و محمدرضا فقیهی چهار وکیل و فعال اجتماعی بازداشت شده است. بسیاری از امضا کنندگان این طومار چهره های شناخته شده ای از جنبش کارگری و جنبش های اجتماعی دیگر در سطح جامعه هستند. امضا کنندگان این طومار اعتراضی در نامه خود ضمن هشدار به شروع پیک ششم بیماری کرونا و ضرورت اقدام سریع برای وارد کردن واکسن و واکسیناسیون همه مردم بر رسیدگی قضایی به تخلفات کسانی که به

هر نحوی در عدم مقابله با این بیماری از ابتدا تا امروز نقش داشته اند تاکید کرده اند. امضا کنندگان این نامه همچنین با تاکید بر اینکه شکایت از همه مسئولانی که در این موضوع هر یک به نحوی نقش داشته اند حق تمامی خانواده ها و افراد آسیب دیده است، با تاکید بر ضرورت حمایت از خانواده های آسیب دیده و با گفتن اینکه شکایت از مسئولین حتی از رهبر جرم نیست، حمایت قاطع خود را از وکلای بازداشت شده اعلام کرده و مینویسند: "ما نیز خواستار برخورد قانونی و قضایی در مراجع ذیصلاح با مقصران و عاملان مرگ بیش از یکصد هزار نفر از هموطنان بیگناه خود که بر اثر مدیریت ضعیف و مواجهه ناصحیح مسئولان در

مقابله با بیماری کرونا جان خود را از دست داده‌اند، هستیم.“

نمونه برجسته دیگر از همین شکایتهای نامه شماری از کنشگران اجتماعی به میشل باشله کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل به کمیسر عالی سازمان ملل تحت عنوان هشدار درباره کشتار کرونا در ایران است. برجستگی این نامه امضای آن از سوی چهره‌های سرشناس جنبش‌های اجتماعی از طیف‌های مختلف است. امضا کنندگان این نامه اسماعیل بخشی و جعفر عظیم زاده از چهره‌های سرشناس کارگری، محمد حبیبی از معلمان معترض شناخته شده، شهناز اکملی و اکرم نقابی از مادران

دادخواه، جعفر پناهی و محمد رسول اف
کارگردان، محمد سیف زاده وکیل مدافع،
محمد نوریزاد مستند ساز و نرگس محمدی
از فعالین مدافع حقوق بشر هستند که
صدای اعتراض خود را علیه کشتار جمعی
کرونا جهانی کردند. این نامه ضمن اشاره به
سیاستهای جنایتکارانه جمهوری اسلامی در
امر کرونا از جمله منع ورود واکسن کرونا،
عدم اجرای اقدامات لازم برای مهار کرونا و
واکسیناسیون مردم، ترویج مراسم گسترده
و جمعی مذهبی و ابتلا و کشتار بیشتر به
خطر مرگ هولناک جمعی مردم هشدار داده
و بر ضرورت اقدام فوری و جدی سازمانها
و نهادهای بینالمللی جهت کنترل و مهار
شیوع کرونا در ایران و الزام ورود واکسن به

میزان لازم و انجام واکسیناسیون تک تک مردم تاکید کرده است. رونوشت این نامه به پیترو مائوره، رئیس کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، دکتر تدروس آدهانام، دبیرکل سازمان بهداشت جهانی، دکتر کریستوس کریستو، رئیس پزشکان بدون مرز بین‌المللی داده شده است.

همچنین شماری از تشکلهای کارگری چون سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی، سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، انجمن صنفی روزنامه نگاران آزاد تهران، اتحاد بازنشستگان، اتحاد سراسری بازنشستگان ایران، گروه اتحاد بازنشستگان، کمیته پیگیری تشکلهای کارگری ایران و کمیته

هماهنگی برای ایجاد تشکل های کارگری طی بیانیه ای جمعی در سوم شهریور ماه تحت عنوان "عدم اجرای واکسیناسیون فوری، رایگان، عمومی و استاندارد جنایت است!" بر واکسیناسیون فوری مردم تاکید کردند. شورای سازماندهی اعتراض کارگران پیمانی نفت نیز در بیانیه ای جداگانه بر اجرایی شدن واکسیناسیون و پروتکل های سازمان بهداشت جهانی تاکید کرده و حمایت خود را از وکلایی که بخاطر اعتراض به عدم اجرایی شدن این امر بازداشت شده اند، اعلام کرده است.

بیانیه دیگر از سوی ۲۷ گروه و تشکل از کارگران، معلمان، بازنشستگان، دانشجویان،

فعالین دفاع از حقوق زن و حقوق کودک و جمع های مختلف مردمی در شهرهای کرمانشاه، تهران، اصفهان، سنندج و مریوان تحت عنوان بیش از این اجازه قتل عام ندهیم است. در این بیانیه ضمن اشاره به ابعاد فاجعه بار کشتار کرونا و تاکید بر واکسیناسیون فوری و رایگان همه مردم چنین آمده است: "صدای اعتراضمان نسبت به این کشتار را متحدانه بلند کنیم و حاکمان را مجبور به تهیه فوری واکسن از شرکتهای معتبر و مورد تایید سازمان جهانی بهداشت نمائیم. زیستن حق ماست و نباید بیشتر از این اجازه قتل عام دهیم".

و بالاخره نمونه دیگر از این کیفرخواستها

بیانیه منتشر شده از سوی شورای هماهنگی
تشکل های صنفی فرهنگیان ایران در
دفاع از وکلای بازداشتی با تاکید بر حق
دادخواهی و مجازات عاملان شرایط موجود
و مطالبه واکسیناسیون فوری و سراسری
است. در این بیانیه با اشاره به منع ورود
واکسن با فرمان مستقیم خامنه ای و
همصدایی کل حکومت با آن بر دزدی ها
و چپاولهای هنگفتی که پشت آن خوابیده
است اشاره شده و چنین آمده است: ”در
سایه خصوصی سازی و پولی سازی خدمات
درمان و سلامت، جریانات صاحب نفوذ در
قدرت و مافیای دارو، بیشترین سود را در
این میان برده اند و هزینه میلیونی درمان بر
دوش خانواده ها افتاده است. واکسن خارجی

خریداری نشد تا سود واکسیناسیون در جیب نهادهای حکومتی برود. و اشک و آه و اندوه نصیب مردم شود.“ و بعد پرسشش اینست که ”بهراستی این سبک برخورد با بیماری اگر قتل‌عام مردم نام ندارد، پس چیست؟ و مسئول این کشتار چه کسانی هستند؟“. بدین ترتیب شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران در مقام دادخواهی مینویسد: ”پاسخگو کردن تمام مقامات، خواسته اکثریت مردم ایران از جمله نهادهای مدنی، صنفی و شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران است. در همین راستا شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران بازداشت کسانی که قصد ثبت شکایت علیه آمران و بانیان

کشتار کرونایی مردم را داشته اند، محکوم می کند. ” این شورا ضمن قدردانی از فعالیت وکلای بازداشت شده و آزادی فوری و بدون قید و شرط آنان اعلام میکند و مینویسد: “ تاکید می کنیم عاملان و تصمیم گیرانی که شرایط امروز را رقم زده اند در هر جایگاهی که هستند، باید پاسخگو باشند و در صورت تخلف مجازات شوند.”

این چنین است که امروز مردم در ایران بخاطر کشتار وسیع کرونا در ایران و سیاست های ضد انسانی و جنایتکارانه حکومت اسلامی در قبال جان مردم دادخواه هستند و انگشت نشانه آنها مستقیماً بسوی خامنه ای به عنوان مسئول این کشتار جمعی و کل

حاکمیت است. تلاش ما اینست که صدای رسای این جنبش در سطح جهانی باشیم. تک تک سران این حکومت و در راس آنها خامنه ای بخاطر تمام جنایاتشان باید پشت میز محاکمه قرار گیرند. جمهوری اسلامی باید در سطح جهانی بایکوت شود. این رژیم کرونایی، این رژیم فقر و فلاکت و تبعیض و نابرابری، این رژیم سرکوب و جنایت باید گورش را گم کند و برود.

وب سایت:

www.wpiran.org

تماس با حزب:

پیامگیر تلگرام: **wpi_tamas@**

و یا با ارسال پیام به شماره

۰۰۴۶۷۰۰۴۴۷۴۲۵

از طریق سیگنال، واتساپ و تلگرام و اینستاگرام